

# نقش سکه‌ها در بازشناسی جایگاه شهر کرج ابودلف<sup>۱</sup>

در فاصله سال‌های ۳۲۱-۳۲۴ ه.ق

یوسف افتخاری<sup>۲</sup>

## چکیده

این پژوهش به تبیین اهمیت شهر کرج ابودلف در دوران حکومت‌های متقارن در تاریخ ایران اختصاص دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهر کرج ابودلف از اهمیت ویژه‌ای برای مدعیان قدرت جهت چیرگی بر مرکز ایران برخوردار بوده است تا جایی که در طی چهار سال (از سال‌های ۳۲۱ تا ۳۲۴ ه.ق) چهار فرمانروای مختلف عباسی و ایرانی در آن دیار سکه زدند که این موضوع دست‌کم در تاریخ ایران بی‌نظیر است و نشان از آشوب در نواحی مرکزی ایران و همچنین اهمیت راهبردی ویژه شهر کرج ابودلف دارد. این شهر به دلیل جای‌گیری در میانه شاهراه اصفهان به همدان و نیز دسترسی آسان به ری برای طرفین جنگ‌های محلی عراق عجم نقشی حیاتی داشته و تسخیر آن، تسلط فاتح بر ایران مرکزی را تضمین و تثبیت می‌کرد. این پژوهش با رویکردی تاریخی-توصیفی و بر اساس منابع نوشتاری و سکه‌شناسی نگاشته شده است.

## کلید واژه

کرج ابودلف؛ سکه؛ عباسیان؛ زیاریان؛ بویان

۱. کرج ابودلف شهری تاریخی منسوب به ابودلف عجلی و میان اراک و بروجرد بوده است.

۲. پژوهشگر تاریخ و سکه‌شناسی؛ دکترای مهندسی مکانیک دانشگاه بیرجند؛ yusefef@gmail.com

## نگاهی اجمالی به تاریخ کرج ابودلف

ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان آن را مدیا<sup>۱</sup> می‌گفتند و از باختر به جلگه‌های میان‌رودان<sup>۲</sup> و از خاور به کویر بزرگ ایران محدود می‌شد، نزد جغرافی‌نویسان عرب به نام «ایالت جبال» معروف بود. این نام بعدها متروک شد و در سده ششم هجری، در زمان سلجوقیان، آن را «عراق عجم» نامیدند تا با عراق عرب - که مقصود قسمت سفلی میان‌رودان بود - اشتباه نشود. چهار شهر بزرگ قریسین (کرمانشاه کنونی)، همدان، ری و اصفهان از زمان قدیم، بزرگ‌ترین شهرهای ناحیه‌های چهارگانه جبال بودند. در زمان دیلمیان، یعنی در سده چهارم، چنانکه ابن حوقل می‌گوید، دستگاه اداری دولت در ری بود. در پایان سده بعد، همدان پایتخت سلجوقیان ایران شد ولی به هر حال به نظر می‌رسد که اصفهان همیشه بزرگ‌ترین و به طور کلی آبادترین شهرهای ایالت جبال بوده است. در خاور نهایند ولایت «ایغارین» یعنی دو ایغار واقع است و مرکز آن هم کرج نام داشت و برای اینکه با نقاط دیگری که کرج نام دارند اشتباه نشود، آن را «کرج ابودلف» می‌گفتند. محل صحیح این کرج دقیق معلوم نیست ولی با توجه به فواصل و مسافتی که در کتب جغرافیا ذکر شده و آنچه حمدالله مستوفی گفته است که محل آن را آن سوی کوه راسمند (که اکنون به کوه راسند معروف است) شمرده باید محل آن را در نزدیکی سرچشمه‌های نهری جست که از ساروق می‌گذرد و به قراسو می‌پیوندد. ابن حوقل در سده چهارم جایی که از کرج نام می‌برد، می‌گوید از بروجرد کوچک‌تر است ولی با این همه شهری مهم بوده، روی یک بلندی ساخته شده و دو فرسخ طول داشته است. دو بازار داشته، یکی دم دروازه مسجد جامع و دیگری در کنار دروازه مقابل که آن سوی صحرای بزرگ بوده، چنانکه صحرا بین دو بازار جای داشته است. این شهر چندین گرمابه داشته و خانه‌های خوش‌ساخت آن غالباً از خشت خام بوده، باغات زیاد نداشته و اندک زمین اطراف شهر بسیار حاصل‌خیز بوده است (لسترنج، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۰۱).

در کتاب تاریخ قم آمده است که این شهر را در دوران ساسانی «بوهین کَره خوانده‌اند، یعنی خرم‌نگاه کرج» (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳) اما الذهبی تاریخ بنای این شهر را در دوران اسلامی می‌داند و از قول یاقوت حموی می‌نویسد: «کرج بفتح اوله و ثانیه و آخره جیم و هی فارسیه و أهلها یسمونها کَره و اول من مَصْرَها أبودلف القاسم بن عیسی العجلی و جعلها وطنه...». کرج به فتح اول و ثانی

و آخر آن جیم، واژه‌ای فارسی است و اهل آنجا آن را کره نامند و نخست آنجا را ابودلف القاسم بن عیسی العجلی بنا نهاد و آنجا را موطن خویش قرار داد (الذهبی، ۱۳۸۴ هـ.ق: ۲۹۵). یاقوت همچنین گوید قلعه‌ای موسوم به فرزین، دم دروازه کرج است. حمدالله مستوفی رودخانه آنجا را «کره رود» نامیده گوید: «کوه راسمند در شمال شهر کرج است و آن نیز چون بیستون پیدا شده است بی آن‌که در پایانش دره و پشته باشد، سنگی سیاه است و بر مثال خانه سقف به سحاب در آورده ... و چشمه‌ای که به خسرو منسوب است در پای آن کوه و مرغزار کیستو که از مشاهیر مرغزارهای عراق است به طول شش فرسنگ و به عرض سه فرسنگ در شمال این کوه است؛ دور این کوه ده فرسنگ باشد» (لسترنج، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۲۱۴).

ابودلف مسعر بن المهلهل، جهان‌گرد و شاعر عرب، در توصیف کرج می‌نویسد: «در این شهر آثاری از پادشاهان ایران وجود ندارد، بلکه آثار ساختمان‌های باشکوه و زیبایی تاریخی مربوط به خاندان ابودلف در آن دیده می‌شود که از وجود دولت عظیمی در گذشته حکایت می‌کند. آنجا آب‌های معدنی و چشمه‌سارهای فراوان دارد. کرج محل اتصال راه‌های اهواز، ری، اصفهان و همدان است» (المهلهل، ۱۳۵۴: ۷۱). در مسالک و ممالک نیز می‌خوانیم: «کره شهری پراکنده است، آن را کره بودلف خوانند و فرزندان او آنجا مقام داشتند تا آن‌گاه کی ملک ایشان را زوال آمد و هنوز آثار کوشک‌های ایشان مانده است. کشاورزی و چهارپا دارند و میوه ایشان از وروگرد بود. شهری دراز است، مقدار یک فرسنگ درازی دارد و دو بازار دارد، یکی بر در مسجد آدینه؛ و میان این دو بازار مسافتی دور است» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۵). در کتاب *صورة الارض* نیز درباره این شهر آمده است:

«کرج شهری پراکنده است و چون شهرهای دیگر مجتمع نیست و آن را کرج ابی دلف گویند؛ زیرا روزگاری مسکن وی و خاندان و فرزندانش بود. بناهای شهر از گل است و کاخ‌ها و ساختمان‌های بزرگ با محوطه پهن‌تر چون بناهای پادشاهان دارد و دارای چهارپایان است؛ اما باغ و جای باصفا ندارد و میوه از بروجرد و سایر شهرها می‌آورند و شهری دراز دراز به اندازه دو فرسخ و دارای دو بازار است که یکی از آن‌ها بر در مسجد جامع و دراز است و در میان این دو بازار صحرای بزرگی است و در مجاورت آن‌ها بناها و منازل و مسکن و گرمابه‌ها قرار دارد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۱).

ابودلف -که این شهر به او نسبت داده شده است- هم سردار معروف و هم شاعری از ملازمین دربار هارون الرشید و پسرش مأمون بود. ابودلف و خاندانش در این ولایت و در ناحیه اطراف

کرج که در دوازده فرسخی اصفهان واقع بوده، اقامت داشته‌اند و خلیفه آن‌جا را به آن‌ها تحویل داده بود به طوری که مبلغ معینی هر ساله به خلیفه بیردازند و از همه مالیات‌های دیگر معاف باشند (لسترنج، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

بوذُلَفیان، آنان که در منابع تاریخی بنی‌دُلَف، بنی‌عجل، عَجلیان و کَرَجیان نیز خوانده شده‌اند، اصالتاً از عشایر عرب ساکن در حکومت یمامه بودند. یکی از آنان، تاجری ثروتمند به نام ادریس بن معقل بود که در اواخر دوران اموی از کوفه به کَرَج در میان اصفهان و همدان مهاجرت کرده و املاکی در آن‌جا و مناطق هم‌جوار خریداری کرده بود. معروف‌ترین عضو این خاندان و مؤسس سلسله بنی‌دُلَف، ابو دُلَف قاسم بن عیسی بن ادریس بن معقل بود که در زمان شورش خرم‌دینان در حدود سال ۱۹۳ هـ.ق همراه سپاهیان هارون الرشید، شورشیان را سرکوب کرد. هارون نیز به پاس این خوش خدمتی، حکومت جبال را بدو واگذار کرد که شامل اصفهان، کرج، ماه‌البصره، ماه‌الکوفه و همدان می‌شد. از آن زمان به بعد، گاه کرج با نام کرج ابی دُلَف شناخته می‌شود. ابو دُلَف در نزاع میان پسران هارون، امین و مأمون، جانب امین را گرفت؛ اما پس از پیروزی مأمون، مورد عفو مأمون قرار گرفت و در حکومت خود ابقا شد. او در سال ۲۲۶ هـ.ق در اثر بیماری در بغداد درگذشت (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۵۹).

حمدالله مستوفی دربارهٔ ایشان می‌نویسد: «کرجیان: اصلشان از نسل ابودلف عجلی است که به فرمان هارون الرشید به عجم آمده و شهر کرج بساخت و آن‌جا ساکن شد. اما فرزندان او به قزوین نقل مکان کردند و به دو شعبه منشعب شدند: یکی ائمه کرجیه‌اند. از ایشان ابوالقاسم شهید مدفون به جامع کبیر و از نسل او مولانا مجدالدین محمد کرجی علماء متبحر بود و سرآمد علمای عهد خود. شعبهٔ دیگر صدور اعرایانند که به اربابی و صدارت معروف بودند» (حمدالله مستوفی، ۱۳۹۴: ۸۱۰). امروزه ثابت شده است که کرج ابودلف با شهر آستانهٔ فعلی در استان مرکزی مطابقت دارد. بر اساس اسناد و شواهد موجود، اعتمادالسلطنه این شهر را همان آستانه دانسته است:

«اسنادی که ما در دست داریم به مطالعه‌کنندگان ثابت و مدلل می‌کند که آستانه یا شهر سه‌سوک همان کرج ابودلف عجلی است: یکی تفضیلی است که صاحب معجم البلدان می‌نویسد و حدودش را معین کرده و کوه راسمند را حد شمالی آن قرار داده است؛ دیگری شرحی است که در نزهة القلوب نگاشته شده است؛ دیگر صورت وقف‌نامه‌ای است که ما عیناً ثبت و گزارش نمودیم؛ دیگر فرمان شاه عباس صفوی است که عیناً نگاشته آمد؛ که در همهٔ این اسناد، آستانه

را در موقع کرج می‌نویسند. پس اشتباهی که عموماً در میان مورخین از مائه<sup>۱</sup> یازدهم هجری تاکنون در موضع کرج ابودلف بود، مرتفع گردید و حقیقت امر منکشف آمد. چه، غالب این مورخین، ذلف آباد فراهان را که اصلاً ذلف آباد بوده و آن هم از ابنیه ابودلف عجلی است، کرج می‌دانسته‌اند. ممکن است که ابودلف عجلی که فرمانروای این قسمت از ایران بوده، چندین بلده و قریه ساخته باشد. بر ما لازم بود که برای رفع اشتباه مورخین و تصحیح جغرافیاهای<sup>۲</sup> عصر خودمان این تفصیل را بنگاریم» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

علاوه بر این، نسخه‌ای خطی در کتابخانه ملی ایران با عنوان «تاریخ آستانه عراق» وجود دارد که در آن محل کرج ابودلف با روستای تازه شهر شده آستانه در ۳۲ کیلومتری جنوب شهر اراک منطبق شده است. اعتمادالسلطنه در این رساله به شیوه پژوهشگران جدید، علاوه بر استفاده از منابع و متون تاریخی و جغرافیایی، از ترجمه متون کهن یونانی در آثار اروپایی استفاده نموده و حتی در ناحیه مزبور دست به تحقیقات میدانی و حفاریات باستان‌شناسی زده است (خزایی، ۱۳۸۵: ۷۳ و ۷۴).

کرج ابودلف، به سبب جایگاه راهبردی آن، در آستانه سده چهارم هجری شاهد آشوب‌های فراوانی شد. حدود سال ۳۱۳ ه.ق حسن رکن‌الدوله که در آن زمان یکی از فرماندهان لشکر ماکان کاکای و داعیان علوی بود، به این شهر لشکر کشید و بخش‌هایی از آن‌جا را تخریب کرد. بعید است که بر اثر این جنگ خرابی‌های زیادی به این شهر وارد آمده باشد؛ زیرا «کرج هم‌چنان اهمیت خود را حفظ کرد و کوشش برای دسترسی به آن از زمینه‌های منازعه و رقابت حاکمان مختلف بود» (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۵: ۱۴). به گواهی سکه‌ها، در همان سال ۳۱۳ ه.ق کرج ابودلف دوباره تحت استیلای خلیفه عباسی المقتدر بالله در آمد (جدول ۱). در سال ۳۱۶ ه.ق کرج بار دیگر توسط اسفار بن شیرویه، امیر لشکر نصر بن احمد دوم سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ه.ق) تصرف شد و به این ترتیب سامانیان برای مدت کوتاهی فرمانروایی این شهر را به دست گرفتند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۴۸۹/۳). باز به گواهی سکه‌ها، المقتدر بالله به زودی مجدداً کرج ابودلف را اشغال کرد و در سال‌های ۳۱۷ و ۳۱۸ ه.ق در آن‌جا به سکه‌زنی پرداخت (جدول ۱).

۱. سده.

۲. جغرافیا.

## جدول ۱. دینارهای ضرب کرج ابودلف مقتدر (خلیفه عباسی: ۲۹۶-۳۲۰ ه.ق)

سال ضرب	خلیفه	وزن دینارهای زرین
۳۰۸ ه.ق	مقتدر	۴/۳۵ گرم، ۴/۳۵ گرم، ۴/۲۸ گرم
۳۱۰ ه.ق	مقتدر	۳/۹۶ گرم، ۳/۹۱ گرم
۳۱۳ ه.ق	مقتدر	۴/۲۲ گرم، ۴/۲۰ گرم، ۳/۷۳ گرم
۳۱۴ ه.ق	مقتدر	۳/۶۷ گرم
۳۱۷ ه.ق	مقتدر	۵/۵۰ گرم، ۴/۵۵ گرم، ۳/۸۲ گرم، ۳/۸۲ گرم، ۳/۸۱ گرم، ۳/۷۸ گرم، ۳/۷۸ گرم، ۳/۷۸ گرم، ۳/۷۶ گرم، ۳/۴۷ گرم
۳۱۸ ه.ق	مقتدر	۴/۱۴ گرم، ۴/۱۰ گرم، ۳/۸۸ گرم، ۳/۶۱ گرم، ۳/۳۷ گرم، ۲/۹۷ گرم، ۲/۹۱ گرم، ۲/۶۷ گرم، ۲/۶۶ گرم

## عباسیان و ایرانیان در کرج ابودلف

عباسیان از فرزندان عباس بن عبدالمطلب، عم پیامبر اکرم (ص)، (خضری، ۱۳۹۱: ۵) به واسطه شورش‌های ۱۳۰ تا ۱۳۲ ه.ق / ۷۴۷ تا ۷۵۰ م. به رهبری ابومسلم، سردار ایرانی، در خراسان صورت گرفت، توانستند قدرت را از امویان به سود خود به چنگ آورند و خلافت عباسی را برای چند سده تشکیل دهند (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۶۹). از روایات غیراسلامی چنین برمی آید که در خراسان به تحریک سردار سپه‌جامگان، بندگان بر خداوندان خویش شوریدند و در یک شب همه آن‌ها را کشتند و اسب و سلاح و خواسته‌شان را بر گرفتند (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۹۲).

کارگزاران ایرانی که از آغاز در دستگاه خلافت عباسیان و نیز به قدرت رسیدن ایشان، نقش اساسی داشتند با وزارت اعضای خاندان برمکی به صورت فعال به حیات خویش در این دستگاه ادامه دادند. بنا بر قدیمی‌ترین روایت عربی، برمکیان اصلاً ایرانی بوده و کهنانت و سدانته «نوبهار» را - که سالیانی دراز پیش از اسلام بت‌خانه معروفی در بلخ بود - به عهده داشتند (بووا، ۱۳۸۸: ۲۷). حدود یک سده بعد از سقوط برمکیان، دولت عباسیان شاهد تغییرات بسیاری در درون بدنه خویش شده بود. چون موفق درگذشت، پسرش معتضد به عنوان مدیر فعال خلافت عباسی ایفاگر نقش پدر شد و سرانجام در ۲۰ رجب ۲۷۹ ه.ق / ۱۸ اکتبر ۸۹۲ م. به جای عمش به خلافت رسید. خلافت معتضد و پسرش مکتفی (جلوس: ۲۲ ربیع‌الثانی ۲۸۹ ه.ق / ۵ آوریل ۹۰۲ م.) شاهد پیروزی‌های مهم عباسیان در عراق بود. طی این ایام، خوارج در جزیره شکست خوردند و نواحی پهناوری از ایران که از پیکر خلافت جدا شده بود، بار دیگر به آن برگردانده شد. ابودلف، والی امین در همدان بود که پسر و نوادگانش نیز مقام وی را نگه داشتند. رفته‌رفته بر استقلال

ابودلفیان افزوده شد و از زیر سلطهٔ خلیفه بیرون آمدند. در سال ۲۸۱ ه.ق / ۸۹۴ م. حارث بن عبدالعزیز بن ابی‌دلف بر اصفهان و نهاوند استیلا یافت. در سال‌های آغازین سدهٔ چهارم هجری، اقتدار خلیفه بیش از پیش کاستی گرفت و مخالفت‌های روزافزون و شورش‌های متعدد چه از درون پیکرهٔ عباسی و در غرب و چه از سوی ایرانیان و در ایران مرکزی به دستگاه عباسی مجال نفس کشیدن نداد. در چنین شرایطی، حفظ ایران مرکزی اهمیت ویژه‌ای یافته بود.

### سکه‌های کرج ابودلف

با جلوس ابوالعباس سفاح بر سریر خلافت در ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲ ه.ق / ۳۰ اکتبر ۷۴۹ میلادی دورهٔ طولانی سکه‌های عباسی آغاز گردید که در سکه‌خانه‌های متعدد ایران ضرب می‌شدند. ضرب سکه‌های زرین در ایران تا حدود سال ۲۲۰ ه.ق / ۸۳۵ م. پدیدار نگردید، اما درهم‌ها و فلوس‌هایی در دست است که از میانهٔ سال ۱۳۲ ه.ق / ۷۵۰ م. بدین سو در ایران ضرب شده‌اند. به نظر می‌رسد که در نخستین دهه از خلافت عباسی، بصره و کوفه منبع اصلی ضرب سکهٔ سیمین برای مشرق خلافت بودند، اما از سال ۱۳۴ هجری ضرب درهم در سکه‌خانه‌های ایرانی آغاز شد. این درهم‌ها در نمود کلی با درهم‌های عصر اموی که نمونهٔ اصلی درهم‌های عباسی بودند، فرق چندانی نداشتند اما در نقوش آن‌ها پاره‌ای تغییرات داده شد. روی درهمی عباسی که در سال ۱۳۶ ه.ق / ۷۵۳-۷۵۴ م. ضرب شد، مگر در باریک شدن نوشته‌ای که بر سطح آن نقش شده و تاریخ حاشیهٔ سکه، شباهت زیادی با سکه‌های عصر اموی دارد اما نقش زدن سورهٔ صد و دوازدهم قرآن بر پشت سکه دیگر رها شده و بیان «محمد رسول الله» جای آن را گرفته است. اقرار به رسالت نبوی پشت سکه هم‌چنان مانند سکهٔ عصر اموی است. با گذشت زمان نقوش تکمیلی دیگری بر سکه‌های عباسی اضافه شد اما سبک و طرح اساسی سکهٔ عباسیان و دودمان‌های نیمه‌مستقلی که تابع خلفا بودند، هم‌چنان ثابت ماند (مایلز، ۱۳۹۰: ۳۲۰-۳۲۱). از دورهٔ خلافت مهدی، سومین خلیفهٔ عباسی (۱۶۹-۱۵۸ ه.ق)، نام خلیفه بر روی سکه‌ها نوشته شد. در اوایل سدهٔ سوم هجری، از زمان خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق)، با نوشتن عبارت «لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»، حاشیهٔ دیگری بر سکه‌ها افزوده شد. نوشتهٔ سکه‌های زرین عباسی از سال ۲۰۵ ه.ق به بعد شکل کلی زیر را دارا است:

روی سکه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»

پیرامون: «بسم الله ضرب هذا الدينار ب... (نام سکه‌خانه) سنه... (تاریخ)».

پیرامون بیرونی: «لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»

پشت سکه: «الله محمد رسول الله... (نام خلیفه)».

پیرامون: «محمد رسول الله أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون».

بر خلاف سکه‌های اموی، بر روی سکه‌های عباسی گاهی نام ولی عهد، وزیر، حاکم و القاب آنها و به ندرت نام منطقه نوشته شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، نام بسیاری از امرا و دولت‌مردان عباسی را می‌توان بر سکه‌های این دوران دید. سکه‌های عباسی از جنس زر (دینار، سیم «درهم» و برنز (فلس) بودند. در نخستین دههٔ خلافت عباسی، شهرهای بصره و کوفه از سکه‌خانه‌های فعال به شمار می‌رفتند. از سال ۱۳۴ هـ.ق، ضرب درهم در سکه‌خانه‌های ایران آغاز شد. قدیم‌ترین دینار ضرب سکه‌خانه‌های ایران، دیناری است که در سال ۲۲۰ هـ.ق در مرو ضرب شده است. مهم‌ترین سکه‌خانه‌های ایرانی که در سال‌های بعد در آنها دینار ضرب شد عبارتند از: محمدیه، سمرقند، اهواز، حلوان، قزوین، همدان، آذربایجان، قم، ماه بصره (نهایند)، اصفهان و کرج ابودلف (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۴).

برای نخستین بار، در دوران خلافت مقتدر، سکه‌هایی در کرج ابودلف ضرب شد که عمدتاً دینار زرین بودند و یک نمونه درهم سیمین ضرب شده به سال ۳۱۸ هـ.ق نیز از آن میان یافت شده است. با توجه به جنس سکه‌ها و با در نظر گرفتن سلسله وقایع و موقعیت ایران مرکزی در آن سال‌ها، می‌توان حدس زد که برای پرداخت دستمزد سربازان و لشکریان عباسی که برای تقویت آن ناحیه در کرج مستقر شده بودند، ناگزیر سکه‌خانه‌ای در کرج ابودلف ایجاد شده بود. جدول ۱ وزن و سال ضرب شماری از دینارهای ضرب کرج را نشان می‌دهد.

عقیلی به سکه‌خانهٔ بنی‌دُلْفی کرج اشاره می‌کند (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۹۸) اما رضایی باغبیدی به درستی اشاره می‌کند که تاکنون سکه‌ای از دودمان بنی‌دُلْف ضرب کرج ابودلف دیده نشده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۶۰). وی هم‌چنین، بدون ارائهٔ تصویر یا ذکر منبع، می‌نویسد که در کرج عباسی به طور پراکنده از ۲۹۲ تا ۳۱۸ هـ.ق سکه‌هایی ضرب شده است (همان: ۱۵۴).

اوضاع آشفته و ناآرامی که در زمان خلافت مقتدر و در پی درگیری با ساجیان، خاندانی از مردم

۱. در متن سکه‌های ضرب شهرهایی چون مرو و سمرقند که در شرق خلافت جای داشتند، واژه‌های المشرق و بالشرق نوشته شده است.



اشروسنه که ولایت آذربایجان را داشتند از یک سو و درگیری‌هایی که میان مقتدر و مونس، فرمانده سپاه ثابتش، پس از شکست دادن ساجیان توسط مونس پیش آمد، باعث شد حاکمان ولایات اقدام به گردآوری سپاه کنند و پروای چندانی از حکومت مرکزی نداشته باشند. مسلمانان سراسر قلمرو خلافت نیز دریافته بودند که حرمت دینی و دولت پهناور عباسی در مقابله با مخالفت پابرجای سپاه بر جای است. چنان که مسکویه (در گذشته به سال ۴۲۱ ه.ق / ۱۰۳۰ م) نوشته است: «دشمنان را جرئت می‌دهد به چیزی دست یابند که هرگز آرزوی آن نمی‌پروراندند: تصرف پایتخت؛ زیرا از آن هنگام خلافت رو به ضعف نهاده و قدرت خلیفه از میان رفته است» (متحد، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵). در چنین شرایطی بود که خاندان ایرانی زیاریان با رهبری مرداوین قدرت گرفتند و بخش‌هایی از شمال و مرکز ایران را به زیر سیطره خویش درآوردند. زیاریان از نوادگان زیار بن وردان‌شاه از حکام محلی گیلان بودند. دین ایشان زرتشتی و اسلام سنی بود. تختگاه‌های دودمان زیاری به ترتیب اصفهان (۹۳۱-۹۳۵ م)، ری (۹۳۵-۹۴۳ م)، گرگان (۹۴۳-۱۰۳۵ م) و آمل (۱۰۳۵-۱۰۹۰ م) بود (Bosworth, 1968: 201-202).

قاهر که تنها چند روزی در سال ۳۱۷ ه.ق به تخت خلافت تکیه زده بود، برای دومین بار، از سال ۳۲۰-۳۲۲ ه.ق خلیفه شد. نوشته دینار زرین القاهر بالله (تصویر ۱-۱)، که در کرج ابودلف و به سال ۳۲۱ ه.ق زده شده است، این چنین است:



رو: «لا اله الا الله وحده لا شريك له ابوالقاسم بن امير المؤمنين».

پیرامون: «بسم الله ضرب هذا الدينار بالکرج سنه احدى و عشرين و ثلاثائه<sup>۱</sup>».

پیرامون بیرونی: «الله الامر من قبل و من بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله».

پشت: «الله محمد رسول الله القاهر بالله».

پیرامون: «محمد رسول الله ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون».

۱. رضایی باغبیدی (۱۳۹۳: ۱۹۱) این واژه را به اشتباه «ثلاث مائه» خوانده است.

مرداویج در سال ۳۱۹ هـ.ق / ۹۳۱ م. والی خلیفه در جبال را مغلوب کرد و به حکومت بی‌واسطه عباسیان بر ایران مرکزی خاتمه داد (متحده، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵). اندکی پس از این، علی بن بویه که از امرای سپاه مرداویج بود، بر وی خروج کرد و به فارس گریخت و در جمادی‌الثانی ۳۲۲ هـ.ق / ژوئن ۹۳۴ م. والی نیمه‌مستقل خلیفه در آن‌جا را بکشت و شیراز را متصرف شد. پس از شکست والی خلیفه در فارس، در فلات ایران دیگر کارگزاری که در برابر خلیفه بغداد مسئول باشد، وجود نداشت. هنگامی که در سال ۳۲۱ هـ.ق / ۹۳۳ م. قاهر، که پس از مقتدر خلیفه شده بود، خائنانه مونس را کشت، سپاه فربه و بی‌کفایتی که به زحمت می‌توانست از قلب خلافت پاسداری کند، نمی‌توانست به دفاع از دولت مرکزی برخیزد. در این هنگام، میدان برای رهبری نظامی جدیدی که خود را در بغداد مستقر کند، باز شد.

خلیفه که به هر حال ورشکسته شده بود، بر آن شد تا خود با گزینش این رهبری نظامی بهترین موقع را پدید آورد (همان، ۷۵). مرداویج در سال ۳۲۳ هـ.ق، پس از اجرای مراسم جشن سده، در حمای در اصفهان به دست غلامان ترک خویش کشته شد. بیشتر سکه‌های مرداویج پسر زیار در سکه‌خانه‌های کرج [بودلف] و ماه‌البصره زده شده‌اند؛ اما نمونه‌هایی نیز ضرب قم، محمدیه و همدان یافت شده است. دیگر سکه‌های زیاری ضرب آمل، استرآباد، ساری، گرگان و به ندرت محمدیه و هوسم هستند. برخلاف نظر عقیلی (عقیلی، ۱۳۷۷: ۴۰۸) تاکنون سکه‌ای زیاری ضرب قومن دیده نشده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۴۷۹).

مرداویج که کرج ابودلف را از چنگ قاهر عباسی خارج کرده بود، دینارهای زرین بسیاری در آن شهر زد که تاریخ ۳۲۲ هـ.ق را بر خود دارند. یک نمونه از آن‌ها در تصویر (۱-۲) به نمایش درآمده است. نوشته این سکه این چنین است:

رو: «لا اله الا الله وحده لا شریک له ابوالقاسم بن امیر المؤمنین مرداویج بن زیار».



پیرامون: «بسم الله ضرب هذا الدينار بالکرج سنه اثنین و عشرين و ثلاثمائة».  
پشت: «الله محمد رسول الله القاهر بالله».

پیرامون: «محمد رسول الله ارسله بالهدی ودين الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون».  
یکی از سپه‌سالاران مرداویدج به نام بکران بن خورشید که از خاندان زیاری نبود و در قتل مرداویدج در سال ۳۲۳ ه.ق دست داشت، در همان سال دیناری به نام خود در کرج ضرب کرد (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۴۸۱). درباره بکران بن خورشید چیز زیادی نمی‌دانیم. اما آن‌چنان که از نام پدرش پیداست، در اصل ایرانی بوده است. نوشته دینار بکران بن خورشید که در سال ۳۲۳ ه.ق در کرج ابودلف زده شده (تصویر ۱-۳) این چنین است:



رو: «لا اله الا الله وحده لا شریک له بکران بن خورشید».

پیرامون درونی: «بسم الله ضرب هذا الدينار بالکرج سنه ثلاث و عشرين و ثلاثمائة».  
پیرامون بیرونی: «الله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله».  
پشت: «الله محمد رسول الله الراضی بالله».

پیرامون: «محمد رسول الله ارسله بالهدی ودين الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون».  
گرچه مرداویدج، کرج ابودلف را از چنگ عباسیان بیرون آورده بود و بکران بن خورشید فرمانروایی مستقل بود، اما بایست به رسم آن روزگار نام خلیفه را هم چنان پشت سکه‌هایشان ذکر می‌کردند. با مرگ قاهر، در ۹ جمادی‌الاول ۳۲۲ ه.ق / ۲۹ آوریل ۹۳۴ م. «راضی» به جانشینی قاهر بر سریر خلافت تکیه زد. وی که در سال ۳۲۴ ه.ق، دوباره کرج ابودلف را ضمیمه خلافت عباسی کرده بود، دینارهای زرینی در آن شهر زد که یک نمونه از آن‌ها در تصویر ۱-۴ دیده می‌شود. نوشته این سکه به این صورت است:

۱. رضایی باغبیدی (۱۳۹۳: ۴۸۹) سال ضرب را به اشتباه «ثلاث و عشرين و ثلاثمائة» خوانده است.



رو: «لا اله الا الله وحده لا شريك له.

پیرامون: «بسم الله ضرب هذا الدينار بالكرج سنة اربع و عشرين و ثلثمائه».

پشت: «الله محمد رسول الله الراضى بالله».

پیرامون درونی: «محمد رسول الله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره

المشركون».



پیرامون بیرونی: «لله الامر من قبل و من بعد

و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله»



تصویر ۱: دینار زرین دینار زرین القاهر بالله،

کرج، ۳۲۱ هـ ق

تصویر ۲: دینار زرین مرداوینج، کرج، ۳۲۲ هـ ق

تصویر ۳: دینار زرین بکران، کرج، ۳۲۳ هـ ق

تصویر ۴: دینار زرین الراضى بالله، کرج، ۳۲۴ هـ ق





تنها چند دهه پس از این، بوییان که دودمانی ایرانی بودند، دوباره کرج ابودلف را به زیر استیلا قدرت ایرانی درآوردند. سلسله آل‌بویه یا بوییان، معروف‌ترین سلسله دیلمیان بود که از سال ۳۲۲ تا ۴۵۴ ه.ق در شاخه‌های مختلف و گاه رقیب بر بیشتر بخش‌های ایران و عراق فرمان می‌راند. امیران محلی بویی حاکمانی مستقل بودند اما خود را تابع امیرالامرا می‌دانستند که مقرر حکومتش غالباً بغداد یا شیراز بود. بوییان، خاندانی شیعی از نسل ماهی‌گیری دیلمی به نام ابوشجاع بویه پسر پناه خسرو (فناخسرو) بودند. آن‌ها نسب خود را به بهرام پنجم ساسانی (بهرام گور) می‌رساندند. بویه سه پسر به نام‌های احمد، حسن و علی داشت. حسن و علی از سردارانی بودند که به خدمت مرداویج بن زیار درآمده بودند و مرداویج حکومت کرج را به علی سپرده بود (فقیهی، ۱۳۹۳: ۱۷). نخستین فرمانروایان بویی بدین ترتیب بودند: عمادالدوله ابوالحسن علی بن بویه ۳۳۵-۳۳۷ ه.ق، رکن‌الدوله ابوعلی حسن بن بویه ۳۳۵-۳۶۱ ه.ق، عضدالدوله ابوشجاع فناخسرو بن رکن‌الدوله ۳۶۶-۳۷۰ ه.ق، مؤیدالدوله ابومنصور بن رکن‌الدوله ۳۶۶-۳۷۳ ه.ق، فخرالدوله ابوالحسن علی بن رکن‌الدوله ۳۶۶-۳۸۵ ه.ق (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۴۹۹-۵۰۲). بوییان در شاهی رکن‌الدوله و فخرالدوله به طور پراکنده میان سال‌های ۳۴۵ تا ۳۷۴ ه.ق دینارهای زرینی در کرج ابودلف ضرب کردند.

### نتیجه‌گیری

کرج ابودلف که منطبق با شهر آستانه فعلی در استان مرکزی است، از آغاز سده چهارم هجری اهمیت نظامی فوق‌العاده‌ای برای امرا و حاکمانی یافت که در پی کسب نفوذ و قدرت بیشتر در ایران آن سال‌ها بودند. این اهمیت و جایگاه ویژه شهر کرج ابودلف، سبب شد که در آن ایام رقابت سختی بر سر دست‌یابی به این شهر میان این امرا درگیرد. گرچه اسناد تاریخ درباره شمار بسیاری از وقایع سده چهارم هجری در این شهر سکوت می‌کند، اما سکه‌های ضرب‌شده در این شهر نقش اساسی در بازشناسی تاریخ آن روزگار دارند.

کرج ابودلف که به روایت همین سکه‌ها دست کم از سال ۳۰۸ ه.ق در اختیار خلیفه مقتدر بالله عباسی بود، یک بار حدود سال ۳۱۳ ه.ق به دست حسن رکن‌الدوله می‌افتد که در آن زمان یکی از فرماندهان لشکر ماکان کاکلی و داعیان علوی بود. به روایت سکه‌ها، مقتدر بالله همان سال شهر را بازپس می‌گیرد اما بار دیگر در سال ۳۱۶ ه.ق توسط اسفار بن شیرویه، امیر لشکر نصر بن احمد دوم سامانی (۳۰۱-۳۳۱ ه.ق) تصرف می‌شود و این بار نیز به زودی مقتدر بالله

کرج ابودلف را بازپس گرفته و در سال‌های ۳۱۷ و ۳۱۸ هـ.ق سکه‌های زرینی در این شهر ضرب می‌کند. در میان سال‌های ۳۲۱ تا ۳۲۴ هـ.ق سکه‌های تاریخی کرج ابودلف، راوی یکی از شایان توجه‌ترین صفحات تاریخ ایران هستند که اسناد و نوشته‌های تاریخ‌نگاران گذشته درباره آن سکوت کرده‌اند: در سال ۳۲۱ هـ.ق القاهر بالله، خلیفه عباسی، کرج ابودلف را تحت نفوذ خویش دارد؛ پس از او در سال ۳۲۲ هـ.ق مرداویج زیاری اختیار شهر را به دست می‌گیرد؛ در سال بعد، ۳۲۳ هـ.ق بکران پسر خورشید کرج ابودلف را فاتح می‌شود و در نهایت الراضی بالله، دیگر خلیفه عباسی دوباره کرج را به زیر سیطره خلافت عباسی در می‌آورد. فرمانروایی چهار فرمانروا در چهار سال پی‌درپی بر یک سرزمین دست‌کم در تاریخ ایران بی‌هم‌تاست که تنها نمونه آن کرج ابودلف در سال‌های ۳۲۱ تا ۳۲۴ هـ.ق است. کرج ابودلف با جای‌گیری در میانه شاهراه اصفهان به همدان و نیز دسترسی آسان آن به ری، جایگاه راهبردی ویژه‌ای داشت و به دست آوردن آن نه تنها سبب تسلط فاتح بر شهرهای مهم ذکر شده می‌شد، بلکه استیلای آنان را بر ناحیه جبال و ایران مرکزی تضمین و تثبیت می‌کرد. دست به دست شدن کرج ابودلف در مدت زمانی اندک و به این سرعت نشان از آشوب بی‌سابقه دارد و اینکه طرفین جنگ با علم به اهمیت این شهر، با چنگ و دندان تلاش بر به دست آوردن آن داشتند.

### منابع فارسی

- ابن حوقل، محمد بن حوقل. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۳). *العبر: تاریخ ابن خلدون*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. ج ۳. تهران: مؤسسه مطالعات و تاریخ فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الذهبی، شمس‌الدین. (۱۳۸۴ هـ.ق). *العبر فی خبر من غیر*. المجلد الثاني عشر. الجزء ۱. الکویت: المجمع العلمي العراقي، صص ۲۸۶-۳۰۶.
- المهلهل، ابودلف مسعر بن. (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران*. تصحیح ولادیمیر مینورسکی. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران: زوار.
- بووا، لوسین. (۱۳۸۸). *برمکیان بنابر روایات مورخان عرب و ایرانی*. ترجمه عبدالحسین میکده. چ ۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- بطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ. (۱۳۵۴). *اسلام در ایران*. ترجمه کریم کشاورز. چ ۴. تهران: انتشارات پیام.

- جناب، میر سید علی. (۱۳۰۳). *الاصفهان*. تهران: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۹۴). *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسن نوایی. چ ۶. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خزایلی، علی‌رضا. (۱۳۸۵). «معرفی شهر گمشده کرج ابودلف در اثری جغرافیایی از محمدحسن خان اعتمادالسلطنه». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ش ۴۴ و ۴۵: صص ۷۱-۸۸.
- خضری، احمدرضا. (۱۳۹۱). *تاریخ خلافت عباسی*. چ ۸. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۹۳). *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا بر آمدن سلجوقیان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. چ ۱۰. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۵). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*. چ ۱۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شراهی، اسماعیل؛ صدیقیان، حسین. (۱۳۹۵). *سکه‌های طلای عباسی و اغالبه کرج ابودلف (شهر آستانه شازند)*. تهران: علم و دانش.
- عقیلی، عبدالله. (۱۳۷۷). *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- فرای، ر. ن. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران (از اسلام تا سلاجقه)*. گروه تاریخ ایران دانشگاه کمبریج. ترجمه حسن انوشه. ج ۴. چ ۹. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فقیهی، علی‌اصغر. (۱۳۹۳). *تاریخ آل‌بویه*. چ ۹. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). *تاریخ قم*. ترجمه تاج‌الدین حسن بن بهالدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه سید جلال‌الدین طهرانی. تهران: انتشارات توس.
- لسترنج، گای. (۱۳۹۰). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان. چ ۸. تهران: علمی و فرهنگی.
- مایلز، جی. کی. (۱۳۹۰). *سکه‌شناسی در فرای، آر. ان*. *تاریخ ایران کمبریج: از فروپاشی ساسانیان تا آمدن سلجوقیان*. ترجمه حسن انوشه. ج ۴. چ ۹. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ناصرالدین قاجار. (۱۳۸۷). *سفرنامه عراق عجم*، به ضمیمه تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم. نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات.

### منبع انگلیسی

- Bosworth, C. E. (1968). 'The Political and Dynastic History of the Iranian World (A.D. R. N. *The Cambridge History of Iran, Volume 5: The Seljuq and.1000.1217*)' in Frye *Mongul Periods*, Cambridge: Cambridge University Press.